

بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش‌آموزان و معلمان

زهرا بازرگان

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

ناهید صادقی

مربی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

مسعود غلامعلی لواسانی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

چکیده

مقاله حاضر به بررسی خشونت کلامی از نظر معلمان و دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران می‌پردازد. آزمودنی‌های پژوهش شامل ۴۹۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر و ۴۳ نفر از دبیران زن و مرد آنها است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران شایع است. دانش‌آموزان فضای آموزشی نامناسب، ارتباطات نامطلوب در مدرسه، و حجم زیاد کتب درسی را باعث خشونت کلامی خود می‌دانند؛ در حالیکه معلمان بیشتر بر عوامل خارج از مدرسه، در ایجاد خشونت دانش‌آموزان، تأکید دارند. دانش‌آموزان ناتوانی معلم در تدریس، حقوق و درآمد ناکافی، و عدم ارتباط مطلوب و همکاری میان معلمان و مسئولان مدرسه را سبب بروز خشونت کلامی معلمان می‌دانند؛ حال آنکه اکثر معلمان عدم علاقه و انگیزه معلم به حرفه معلمی و تدریس را از عوامل بروز خشونت در معلم تلقی می‌کنند. معلمان بیشتر از دانش‌آموزان اعتقاد دارند که مسئولان مدرسه در مقابل خشونت کلامی دانش‌آموزان و معلمان واکنش نشان می‌دهند. کلید واژه‌ها: خشونت کلامی، پرخاشگری، دانش‌آموزان، خشم، معلمان.

مقدمه

مشاهده یک روز از زندگی دانش‌آموزان در مدرسه در هر یک از مقاطع تحصیلی، در شهر و روستا، در کلاس، و به ویژه در حیات مدرسه که دانش‌آموزان ظاهراً در آنجا به بازی و استراحت و تخلیه انرژی‌های خود می‌پردازند صحنه‌هایی از خشونت و درگیری میان دانش‌آموزان یا میان مسئولان و معلمان مدرسه با دانش‌آموزان را آشکار می‌نماید. این خشونت‌ها گاه خود را به صورت کلامی، با توهین، تحقیر، تمسخر، و لقب دادن و گاه به صورت خشونت‌های جسمانی نشان می‌دهد. با اینکه خشونت کودکان و نوجوانان در مدرسه پدیده جدیدی نیست و همواره وجود داشته است گزارش‌های رسانه‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف در اکثر کشورهای دنیا منجمله اسمیت و شارپ^۱ (۱۹۹۵)، اولوئوس^۲ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر افزایش یافته و جدی‌تر شده است. اثرات فردی و اجتماعی این خشونت‌ها بر کسی پوشیده نیست. کودکی که به هر علت در محیط آموزشی تحت خشونت‌های کلامی یا بدنی قرارگیرد علاوه بر احساس ناامنی و بی‌زاری از مدرسه، که عواقب آن در زندگی تحصیلی او به تدریج خود را به صورت افت تحصیلی یا ترک تحصیل آشکار خواهد کرد، اثرات ناگوار این نوع رفتار را در طول زندگی به همراه خواهد داشت؛ به نحوی که او نیز ممکن است بعدها به هنگام تشکیل خانواده یا در مسئولیت‌هایی که بر عهده خواهد گرفت رابطه‌ای ناسالم با دیگران برقرار کرده و چه بسا خشونت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. علاوه بر آن، وجود خشونت در آموزشگاه می‌تواند به مسموم کردن جو کلاس و مدرسه بینجامد و با ایجاد اختلال در تدریس معلم، روابط میان دانش‌آموزان، و نیز روابط میان معلم و دانش‌آموزان را ضایع نماید. به همین سبب لازم است، با توجه به عواقب فردی و اجتماعی رفتارهای خشونت بار پژوهش‌هایی در زمینه تشخیص ریشه و علل خشونت در خانه، مدرسه، و جامعه صورت گیرد؛ و مداخله‌هایی در سطح نهادهای مختلف اجتماعی، به ویژه در مدرسه به عنوان یکی از بنیادهای مؤثر و مسئول تأمین سلامت روان دانش‌آموزان، انجام

1. Smith & Sharp

2. Olweus

گیرد. بدیهی است خشونت در مدرسه تنها شامل دانش‌آموزان نیست بلکه بزرگسالان نیز در مواردی، تخلف دانش‌آموزان از مقررات و قوانین مدرسه را با اعمال تنبیهات مختلف و ابراز قدرت پاسخ می‌گویند. بنابر این لازم است خشونت بزرگسالان و اثرات منفی آن بر دانش‌آموزان و بر معلم و علل رفتارهای خشونت‌آمیز معلمان بررسی گردد.

پیشینه پژوهش

الف. خشونت در کودکان و نوجوانان

خشونت پدیده‌ای پیچیده است و عوامل درونی و بیرونی که در تکوین و گسترش آن دخالت دارند متعددند. آلپورت^۱ شخصیت و رفتار انسانی را به عنوان سامانه‌ای باز مورد توجه قرار می‌دهد که عناصر متعددی در تعامل با یکدیگرند. در این سامانه خشونت را می‌توان به مثابه یکی از رفتارهای آدمی مورد مطالعه قرار داد. عناصر این سامانه شامل خصوصیات ارثی، عوامل زیستی و هورمونی، نیروهای روان‌شناختی، و مشخصه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند که با یکدیگر در تعاملند (حجت، ۱۹۹۵). در زمینه منشاء و ماهیت خشونت و پرخاشگری مگارجی و هوکانسون^۲ (۱۹۷۱) معتقدند که خطوط مشترکی زیربنای بسیاری از رویکردهای نظری پدیده خشونت را تشکیل می‌دهد. خشونت و پرخاشگری از این منظر یکی از رفتارهای بشر است. در هر یک از فعالیت‌های بشری عوامل مشترکی وجود دارد که در توضیح آن رفتار باید در نظر گرفته شود، این اصل در مورد پرخاشگری نیز صدق می‌کند. پژوهشگران فوق در تحلیل رفتارهای پرخاشگرانه این عوامل را به سه دسته تقسیم می‌کنند: (۱) عوامل درونی یا انگیزشی. این عوامل باعث ایجاد انگیزه و تمایل در فرد شده و او را به سوی رفتار پرخاشگرانه سوق می‌دهد، (۲) عوامل بازدارنده حضور این عوامل. در شخصیت فرد از ابراز آزاد خشونت جلوگیری می‌کند، (۳) عوامل موقعیتی یا محیطی. رفتار فرد نه تنها تحت تأثیر شخصیت وی قرار می‌گیرد بلکه متأثر از موقعیت و شرایطی است که فرد در

آن قرار دارد. بدین ترتیب، برای انجام یک عمل خشونت‌آمیز یا پرخاشگرانه لازم است عوامل انگیزشی بر عوامل بازدارنده درونی و بیرونی غلبه نماید.

لارنز^۱ (۱۹۶۳) از نظریه پردازانی است که ژن‌های کودک و خصوصیات ذاتی او را از مهم‌ترین عوامل در هدایت رفتار او می‌بیند. از نظر وی انگیزه پرخاشگری از فیزیولوژی اساسی انسان سرچشمه می‌گیرد و رفتار بشر علاوه بر ریشه‌های محیطی منشاء فیزیولوژیکی دارند. وی بر این اعتقاد است که چون نیروهای بازدارنده درونی در طی تعامل با خانواده رشد می‌یابد لذا فعالیت‌های معطوف به تعلیم و تربیت کودکان اگر با هدف رشد و پرورش بازدارنده‌ها در مقابل تمایلات پرخاشگرانه باشد می‌تواند به کاهش خشونت منتهی شود.

حجت (۱۹۹۵) نقش محیط را در ایجاد خشونت مورد تأکید قرار می‌دهد و انگیزه پرخاشگری را ناشی از وقایعی می‌داند که در زمان فعلی یا تاریخچه زندگی فرد وقوع یافته و محیط تربیتی تسهیل‌کننده یا بازدارنده دوران کودکی در شمار عوامل مهمی است که در آن رفتار اجتماعی یا ضد اجتماعی شکل می‌گیرد. وی بی‌توجهی یا عدم دسترسی مداوم فرزند به مادر را نقطه شروع سفر به سرزمین پرخاشگری و خشونت در نظر می‌گیرد. او با بحث در مورد روند رویدادهای اجتماعی، به ویژه در کشورهای صنعتی که به از هم گسیختگی خانواده می‌انجامد (مانند طلاق، محروم بودن از وجود پدر، اشتغال مداوم مادر)، استدلال می‌کند که این رویدادها به کیفیت رابطه عاطفی اولیاء و فرزندان خدشه وارد می‌کند و در نتیجه خطر خشونت و پرخاشگری را افزایش می‌دهد.

بعضی از پژوهشگران، خشونت در میان کودکان و نوجوانان را با در نظر گرفتن ابعاد دیگری از رفتارهای اجتماعی همسالان آنها بررسی کرده‌اند. به طور مثال، کودکان خشونت طلب را به گروه‌های کودکان خشونت طلب طرد شده از سوی همسالان و کودکان خشونت طلب طرد نشده تقسیم‌بندی کرده‌اند. دو پژوهش که در سال‌های اخیر صورت پذیرفته است نشان می‌دهد که در زمینه بررسی رفتارهای خشونت‌آمیز باید به

نوع شخصیت، نگرش، ویژگی‌های کودک یا نوجوان، جنسیت، و حتی پذیرش یا عدم پذیرش همسالان وی توجه کرد.

پاکاسلاhti^۱ و یارونین^۲ (۱۹۹۸) در زمینه رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان ۱۴ ساله پرخاشگر و غیرپرخاشگر در پژوهشی ۴۰۸ دختر و ۴۳۱ پسر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که نیمرخ رفتارهای خشونت‌آمیز در نوجوانان طرد شده و پرخاشگر با سایر نوجوانان متفاوت است. نوجوانان خشونت طلب، بیشتر رفتارهای قلدرمآبانه^۳ و آزارگرانه^۴ را نشان می‌دادند؛ در حالیکه در نوجوانان غیرخشونت طلب، بیشتر رفتارها حاکی از مشاجره^۵ و زرد و خورد^۶ مشاهده شد. به‌طور کلی نوجوانان خشونت طلب بیشتر از نوجوانان غیر خشونت طلب تجربه طرد شدگی از سوی خانواده را داشته‌اند.

یون^۷ و همکاران (۲۰۰۰) تفاوت شناختی میان کودکان پرخاشگر طرد شده و پرخاشگر طرد نشده را مورد مطالعه قرار داده‌اند. کودکان مورد مطالعه از سال‌های تحصیلی دوّم الی چهارم تحصیلی انتخاب شدند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که کودکان خشونت طلب از مشکلات و نقائص شناختی - اجتماعی رنج می‌برند؛ اما تفاوت‌هایی نیز در رفتارهای کودکان خشونت طلب طرد شده از سوی همسالان و طرد نشده از سوی همسالان مشاهده شده است. بیشترین و مهم‌ترین عواملی که این دو گروه را از کودکان غیرپرخاشگر و غیر طرد شده جدا می‌کرد، اسنادهای خصومت‌آمیز و راه‌حل‌های خشونت‌آمیز برای حل مسأله بود. به عبارت دیگر، دو گروه اول اسنادهای خصومت‌آمیز و راه‌حل‌های خشونت‌آمیز را برای حل مسائل خود بیشتر تجویز می‌کردند. همین‌طور کودکان خشونت طلب غیر طرد شده در مقایسه با کودکان خشونت طلب طرد شده

1. Pakaslahti

2. Jarvinen

3. Intriguing

4. Bullying

5. Arguing

6. Fighting

7. Yoon

خودکارآمدی^۱ بالاتری را نشان داده‌اند.

ب. خشونت در مدارس

همانطور که اشاره شد در دههٔ اخیر مسئلهٔ خشونت دانش‌آموزان در مدرسه توجه بسیاری از مریبان تعلیم و تربیت، پژوهشگران، و رسانه‌های گروهی را به خود مشغول داشته و نهادهای رسمی بسیاری از کشورها را به انجام اقدامات فوری برای کاهش و پیشگیری این پدیده واداشته است. بلومار^۲ (۲۰۰۱) در بررسی وضعیت خشونت در مدارس بلژیک اشاره دارد که اعمال خشونت و پرخاشگری دانش‌آموزان نه تنها در مدارس متوسطه محسوس است بلکه در سالیان اخیر در مدارس ابتدایی نیز خود را به صورت رفتارهای ضداجتماعی نشان می‌دهد. اسمیت و شارپ^۳ (۱۹۹۵) و آرورا و تامپسون^۴ (۱۹۷۷) خشونت در مدرسه به خصوص پدیدهٔ آزارگری را که شکل جدیدی از خشونت است به عنوان یکی از مسائل آموزش و پرورش در انگلستان معرفی می‌کنند. گزارش معروف التون^۵، در مورد قوانین انضباطی، مسئله آزارگری دانش‌آموزان در مدارس انگلستان را مورد توصیف و تحلیل قرار داده است (نقل از والدال)^۶. آزارگری گاه مستقیم و کلامی است مانند زمانی که دانش‌آموز همکلاسی یا کودک دیگری را که از نظر زور، طبقه اجتماعی، جنسیت، نژاد یا وضعیت تحصیلی در مقام پایین‌تری قرار دارد با لقب دادن، مسخره کردن، شایعه پراکنی یا طردکردن آزار می‌دهد و نوع دیگر آن مستقیم و بدنی است؛ مانند کتک زدن یا هول دادن، آسیب رساندن، بالاخره تصاحب اموال یا لوازم دیگران. نتایج پژوهش‌های اولوئوس^۷ (۱۹۹۱)، که اولین پژوهش‌ها را دربارهٔ خشونت در مدرسه و عواقب آن انجام داده، نشان می‌دهد که در نروژ ۱۵ درصد

1. Self- efficacy

2. Blomart

3. Smith and Sharp

4. Arora and Thampson

5. Elton Report

6. Wheldall

7. Olweus

از دانش آموزان ابتدایی و متوسطه به نحوی در مسئله آزارگری، چه به صورت آزارگر و یا به صورت قربانی، درگیر هستند. پژوهشگر فوق بر این اعتقاد است که این مسئله در برخی دیگر از کشورها مانند سوئد، فنلاند، امریکا، کانادا، هلند، ژاپن، ایرلند، اسپانیا، و استرالیا به همان شدتی که در نروژ مطرح است وجود دارد.

در سال‌های اخیر پژوهشگران بیشماری مانند اولوئوس، دباریو^۱ (۱۹۹۶)، مونتویا^۲ (۱۹۹۸)، پین^۳ (۱۹۹۷) به بررسی عواملی که می‌تواند به خشونت در مدرسه منتهی گردد پرداخته‌اند. عوامل پدیدآورنده خشونت از نظر پژوهشگران فوق متعدد است: شرایط اقتصادی اجتماعی (فقر، بیکاری، بیعدالتی اجتماعی، بیگانه‌هراسی)، ناامنی در خانواده (تعارض، طلاق، ایجاد واحدهای جدید خانوادگی، غفلت و بی‌توجهی اولیا به فرزندان، روش‌های تربیتی ناسالم...)، مسائل فردی (اختلالات عاطفی، مسئله کنترل خود، مشکلات برقراری ارتباط با دیگران)، و مسائل آموزشی (ساختمان‌های تیره و غیر جذاب، مقررات سخت مدرسه، تبعیض، شکست تحصیلی، تعارض بین معلمان). هر یک از عوامل فوق می‌تواند به ایجاد خشونت بینجامد. وارل و استیل ول^۴ (۱۹۸۱) در تعیین شرایطی که باعث بروز خشونت و پرخاشگری در کودکان می‌شود بر این اعتقادند که پرخاشگری از طریق مشاهده رفتار و نتایج پرخاشگری دیگران و هم‌چنین با تقویت مثبت پاسخ‌های پرخاشگرانه آموخته می‌شود. باندورا و والترز^۵ با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی اهمیت تجربیات فرد را در تعیین رفتار پرخاشگرانه مورد نظر قرار می‌دهند، اما آنان به نقش یادگیری تقلید و رشد عوامل بازدارنده در مقابل پرخاشگری بیش از نقش ترس از مجازات اعتقاد دارند. توجه این پژوهشگران کمتر معطوف به منشأ تمایلات پرخاشگرانه است، بلکه بیشتر به تأثیر تقویت‌کننده‌های محیط تأکید دارند که تا چه حد پاسخ‌های یادگرفته شده را پاداش می‌دهد.

1. Debarbieux

2-Montoya

3. Pain

4. Warell & Stilwell

5. Bandura & Walters

ج. خشونت بزرگسالان نسبت به کودکان و نوجوانان

بسیاری از تنش‌ها و ناآرامی‌ها در مدرسه ناشی از رفتارهای میان فردی دانش‌آموزان است که به رغم زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت در کنار هم در مدرسه تحصیل می‌کنند و هرگز آموزشی برای ایجاد تفاهم و بهبود مهارت‌های اجتماعی دریافت نمی‌دارند. از سوی دیگر، بخشی از رفتارهای خشونت‌آمیز در مدرسه می‌تواند ناشی از برخوردهای غیراصولی و غیرسازنده مسئولان و معلمان مدرسه در قبال دانش‌آموزان باشد. در کشورهای پیشرفته به علت اینکه سال‌هاست در مورد کاربرد نظریات و روش‌های تربیتی سازنده کار شده و مدیران و معلمان به طور مداوم در جهت ارائه رفتارهای تربیتی سازنده آموزش می‌بینند خشونت بزرگسالان کمتر مطرح است و در گزارش‌های سال‌های اخیر اشاره‌چندانی به مسئله خشونت اولیای مدرسه به دانش‌آموزان دیده نمی‌شود. در پژوهش حاضر خشونت اولیای مدرسه، که می‌تواند امنیت و سلامت محیط آموزشی را به خطر افکنده و مانع تحقق هدف‌های آموزشی گردد، مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس مطالعات پژوهشگرانی مانند لوینسون^۱ (۱۹۹۸) علاوه بر اثرات تخریبی جامعه مدرن در ایجاد مسئله عدم پذیرش مدرسه از سوی نوجوانان و بروز رفتارهای پرخاشگرانه در آنان، برخی جنبه‌های اقدامات مدرسه نیز می‌تواند به نوبه خود به ایجاد یا تحریک عدم پذیرش و ناتوانی دانش‌آموزان از هنجارها و برنامه‌های مدرسه منجر گردد. اریکسون^۲ (۱۹۸۷) معتقد است که مدارس باید از نظر دانش‌آموزان مشروعیت نهادی کسب کنند و شرایطی برای ایجاد اعتماد فراهم نمایند. بدون این مشروعیت، دانش‌آموزان مقاومت خواهند کرد و برخی معیارهای لازم را برای رفتار مطلوب در هم می‌شکنند که این امر ممکن است بعدها به در هم شکستن و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران منتهی شود. مشاهده مدارس از نزدیک و پژوهش‌های محدودی به شرح زیر که در کشور ما در مورد وجود خشونت بزرگسالان در مدرسه انجام گرفته نمایانگر این واقعیت است که اعمال خشونت و پرخاشگری منحصر

1. Levinson

2. Erickson

به ارتباطات میان دانش‌آموزان نیست و بسیاری از بزرگسالان (مدیران، معاونین، معلمان و مربیان) در مقابل تخلفات دانش‌آموزان رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند. برخی موارد خشونت که در مقابل خطاهای کوچک و بزرگ دانش‌آموزان صورت می‌گیرد عبارت است از تحقیر - تمسخر، توهین، معرفی سرصف، گرداندن گروه‌های متخلف در حیاط مدرسه برای معرفی به سایرین، حبس، و بالاخره تنبیه بدنی. پژوهش مکارمی (۱۳۷۲) در مورد نحوه نگرش دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شیراز نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از طرز برخورد معلمان خود راضی نبوده‌اند.

یافته‌های پژوهش بازرگان، صادقی (۱۳۷۹) در زمینه مقایسه بین نگرش دانش‌آموزان و معلمان از معلم مطلوب نشان می‌دهد که تصویری که معلمان از رفتار میان فردی خود در ذهن دارند به مراتب از تصویری که دانش‌آموزان از رفتار آنان در ذهن دارند مثبت‌تر است. پژوهش بازرگان و گودرزی (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان از قدرت‌طلبی مسئولان و بعضی از همکلاسی‌های خود به نام مبصر به عنوان یکی از علل آسیب رساندن به مدرسه نام برده‌اند. مشاهدات مختلف از مدارس نشان می‌دهد که در کنار معلمان دلسوزی که در سخت‌ترین شرایط به انجام وظیفه مقدس خود مشغولند معلمان نیز وجود دارند که غافل از اصول تعلیم و تربیت به محض مشاهده کوچک‌ترین تخلف دانش‌آموز دست به تنبیه می‌زنند. در مورد اثرات مثبت و منفی تنبیه پژوهش‌های فراوانی انجام شده است برخی پژوهش‌های اکسلرود^۱ (۱۹۸۳) بر این امر تأکید دارد که زیان‌های تنبیه به مراتب بیش از منافع آن است. ایجاد اثرات جانبی مانند واکنش‌های هیجانی و عاطفی، ایجاد پرخاشگری، تقلید از تنبیه‌کننده، عدم قابلیت تعمیم، و خراب کردن رابطه اجتماعی از اثرات منفی تنبیه به شمار می‌رود. در ایران پژوهش کوهستانی (۱۳۷۷) در مورد گروه نمونه‌ای شامل ۹۲ دختر و ۱۱۲ پسر دوره راهنمایی تحصیلی نشان می‌دهد که بین تنبیه بدنی، پرخاشگری، افسردگی و افت تحصیلی پسران رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همین

نتیجه در مورد دختران به استثنای پرخاشگری با تنبیه بدنی صادق است. در مورد علل رفتارهای خشونت‌آمیز معلمان نیز پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. نوابی نژاد (۱۳۷۲) تنیدگی‌های شغلی و شرایط نامطلوب آموزشی را از عواملی می‌داند که به بروز رفتارهای عصبی و واکنش‌های نسنجیده در معلمان منتهی می‌شود. کلارک^۱ (۱۹۸۸) معتقد است که دو دیدگاه در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان وجود دارد. دیدگاه اول به کنترل دانش‌آموزان تأکید می‌کند، و دیدگاه دوم بر انضباط، محیط تربیتی برنامه‌ریزی شده، و مشارکت دانش‌آموزان در امور کلاس و مدرسه صحه می‌گذارد. حال اگر معلمان دیدگاه اول را اختیار کنند، با اتخاذ این دیدگاه دانش‌آموزان افرادی تلقی می‌گردند که خارج از چارچوب، افرادی غیرقابل کنترل و وحشی‌اند و معلم به عنوان فردی که دارای مهارت‌های تدریس، فنون اداره کلاس، و موظف به ایجاد نظم است باید آنان را تربیت کند. در این نگرش اطاعت و پذیرش مقررات اساس آموزش و پرورش است و معلم به کمک پاداش‌های بیرونی و با حمایت اولیا قدرت خود را حفظ می‌کند. این نگرش از انگیزه‌های بیرونی مانند جایزه، نتیجه امتحانات، ایجاد رقابت میان دانش‌آموزان و اعمال قدرت استفاده می‌کند. نوابی نژاد (۱۳۷۲) در توضیح علل انتخاب روش‌های تربیتی غیرسازنده و نامطلوب که توسط برخی معلمان اعمال می‌شود عقیده دارد که حرفه معلمی به دلیل پیچیدگی و ماهیت ویژه‌اش مانند انتظارات و توقعات جامعه، قوانین اخلاقی و رفتاری برای معلمان، حقوق پایین، امکانات و تسهیلات نامطلوب تدریس، نبودن و سایل کمک آموزشی، کلاس‌های پرجمعیت و ساختمان‌های غیراستاندارد و از همه مهم‌تر فشارهای ناشی از فعالیت‌ها و برخورد‌های کلاس که عمدتاً بار عاطفی دارند وضعی را به وجود می‌آورد که می‌تواند اختلال‌های رفتاری و گاه نابسامانی‌های روانی را در معلمان به وجود آورد. وجود فشارهای روانی و استرس‌های شغلی در معلمان از عوامل دیگری است که می‌تواند به بروز رفتارهای

1. Clark

عصبی و واکنش‌های نسنجیده در معلمان منتهی شود. مایکلتنون^۱ (۱۹۸۳) منبع نارضایتی و فشار روانی معلمان را که می‌تواند در کار و زندگی آنان و در نتیجه در رفتار آنان با دانش‌آموزان اثرات نامطلوب گذارد در چند دسته تحت عنوان عوامل تنیدگی‌زای مربوط به ذات و ماهیت کار معلمی، عوامل مربوط به نقش معلم، عوامل مربوط به روابط اجتماعی در محیط کار، عوامل مربوط به جو سازمان و ساختار مدرسه، عوامل مربوط به رشد حرفه‌ای و عوامل مربوط به ناهماهنگی مدرسه با دنیای خارج تقسیم کرده است.

پژوهش‌های هولداوی^۲ (۱۹۷۸) در میان عوامل رضایت شغلی معلمان، احساس پیشرفت در کار، تأیید و توجه مدیریت مدرسه، شرکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی در مدرسه و برقراری روابط مؤثر با دانش‌آموزان و اولیا را ذکر می‌کند. در همین رابطه فین لیسون^۳ (۱۹۷۹) روابط داخلی درون مدرسه، حمایت مدرسه از معلم، کیفیت ارتباطات، توجه مدیر به مسائل آموزشی، توجه به رشد حرفه‌ای معلم، و حفظ انضباط را از عوامل مهم برای ایجاد روحیه در معلمان می‌بیند.

د. مقابله با خشونت در مدرسه

در زمینه مقابله با خشونت‌های کلامی یا بدنی دانش‌آموزان در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف اقدامات بسیاری چه از جانب مسئولان آموزش و پرورش در سطح ملی یا از سوی پژوهشگران به صورت مداخله آزمایشی در سطح چند مدرسه انجام گرفته است که نتایج بسیاری از اقدامات فوق در زمینه پیشگیری و کاهش مسائل رفتاری دانش‌آموزان امیدوارکننده است. بعضی از برنامه‌ها در زمینه آموزش معلمان و دادن آگاهی به آنان در زمینه شناخت ریشه‌ها و علل رفتارهای ناسازگارانه دانش‌آموزان و راهنمایی برای مقابله با این نوع رفتار و ایجاد آرامش در مدرسه است. این برنامه‌ها غالباً

1. Mykelton

2. Holdaway

3-Finlayson

نه تنها معلمان بلکه کل اعضا مدرسه و حتی اولیا را در پیشگیری و مقابله با رفتارهای اختلال‌زا درگیر می‌کند. برنامه‌های دیگری نیز وجود دارد که ضمن کار با دانش‌آموزان و آموزش آنان خود انضباطی و کنترل خویشتن را به آنان می‌آموزد و با به کارگیری زبان و ارتباطات سازنده به دانش‌آموزان کمک می‌کند که در حل تعارضات و مشکلات خویش و حتی حل مسائل و مشکلات روزمره مدرسه مشارکت کنند. از پژوهشگرانی که طرح‌های عمده‌ای برای مقابله با خشونت در مدرسه ارائه داده‌اند می‌توان از اولوئوس (۹۳-۱۹۹۱)، جانسون، مان و ادواردز^۱ (۱۹۹۲)، شارپ^۲ (۱۹۹۵)، ولدال^۳ (۱۹۹۲)، براون و الیوت^۴ (۱۹۶۵)، کارتی^۵ (۱۹۸۹)، و استیل و وارل (۱۹۸۱) نام برد. بیشتر پژوهشگران فوق با تأکید بر برنامه‌های پیشگیری بر این اعتقادند که آموختن روش‌های پیشگیری از خشونت باید بخشی از برنامه‌های آموزشی مدارس باشد و کلیه شهروندان باید در زمینه پیشگیری از خشونت به همان اندازه که در مورد بیماری‌های قلبی، سرطان و سایر بیماری‌ها راهنمایی می‌شوند آموزش ببینند.

در پژوهش حاضر نظرات دانش‌آموزان و معلمان در زمینه خشونت کلامی در مدارس راهنمایی مورد مقایسه قرار می‌گیرد. داده‌های مربوط به این مقایسه حاصل از طرح پژوهشی بررسی پدیده خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران است.

پرسش‌های پژوهش.

۱. آیا بین نظرات دانش‌آموزان و معلمان در مورد میزان خشونت کلامی در مدرسه تفاوتی وجود دارد؟
۲. آیا بین نظرات دانش‌آموزان و معلمان در مورد عوامل پدید آورنده خشونت کلامی در دانش‌آموزان تفاوتی وجود دارد؟

1. Jhonson, Man & Edwards

2. Sharp

3. Wheldall

4. Brown & Elliott

5. Carty

۳. آیا بین نظرات دانش‌آموزان و معلمان در مورد عوامل پدید آورنده خشونت کلامی در معلمان تفاوتی وجود دارد؟
۴. آیا بین نظرات دانش‌آموزان و معلمان در مورد واکنش مسئولان مدرسه در برابر خشونت کلامی دانش‌آموزان تفاوتی وجود دارد؟
۵. آیا بین نظرات دانش‌آموزان و معلمان در مورد واکنش مسئولان مدرسه در برابر خشونت کلامی معلمان تفاوتی وجود دارد؟
۶. آیا بین نظرات معلمان و دانش‌آموزان در مورد راه‌های ابراز خشم در برابر خشونت کلامی اطرافیان تفاوتی وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی نظرات دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی و معلمان آنها را در مورد خشونت کلامی در مدرسه، میزان آن، عوامل پدید آورنده خشونت، و واکنش مدرسه در برابر آن مورد بررسی و مقایسه قرار داده است.

آزمودنی‌ها. آزمودنی‌های این بررسی ۴۹۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر (۲۳۵ دختر و ۲۶۳ پسر) و ۴۳ نفر دبیران زن و مرد دوره راهنمایی است؛ از این تعداد، ۳۲ دبیر زن با میانگین سنی ۳۴/۰۹ و ۱۱ دبیر مرد با میانگین سنی ۳۲/۱ بوده‌اند، و سطح تحصیلات آنان از دیپلم الی فوق لیسانس بوده که اکثریت آنان را معلمان با تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم تشکیل داده است. نمونه مورد بررسی با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از میان مناطق ۳، ۷، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ آموزش و پرورش تهران انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری. در این پژوهش از یک پرسشنامه ۴۵ سؤالی محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه براساس مقیاس ۴ و ۶ درجه‌ای لیکرت از هرگز تا خیلی زیاد تنظیم شده است و شامل ۶ بند به شرح زیر است:

- بند الف) شامل ۹ سؤال در مورد میزان و چگونگی خشونت کلامی در مدرسه است.
- بند ب) شامل ۸ سؤال درباره عوامل پدید آورنده خشونت کلامی در میان دانش‌آموزان

است.

بند ج) شامل ۸ سؤال در زمینه عوامل پدیدآورنده خشونت کلامی در میان معلمان است.

بند د) شامل ۷ سؤال در باره واکنش مدرسه در برابر خشونت کلامی دانش‌آموزان است.

بند ه) شامل ۷ سؤال در باره واکنش مدرسه در برابر خشونت کلامی معلمان است.

بند و) شامل ۵ سؤال در مورد چگونگی ابراز خشم در برابر خشونت کلامی اطرافیان

است.

اعتبار پرسشنامه با استفاده از آزمون کالموگراف - اسمیرنوف بررسی شد و تمامی

سؤال‌ها در هر بند در سطح ($\alpha = 0/001$) معنادار بودند. یعنی مقادیر حاصل از نمونه

از جامعه‌ای با توزیع نظری مشخص آمده‌اند.

یافته‌ها

همان‌طور که داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد به اعتقاد دانش‌آموزان و معلمان

توهین‌کردن، تهمت زدن و فحش و ناسزاگویی میان دانش‌آموزان شایع است، و در این

مورد تفاوت معناداری میان نظرات دو گروه مشاهده نگردید؛ ولی در مورد فحش و

ناسزاگویی، توهین و تمسخر دانش‌آموزان از سوی معلمان، بین نظرات دو گروه

تفاوت‌های معناداری مشاهده شد. اکثر دانش‌آموزان معتقد به انجام این رفتار از سوی

معلمان هستند، در صورتیکه ۶۵ درصد معلمان آن را انکار کرده‌اند. میان نظرات

دانش‌آموزان و معلمان در مورد خشونت کلامی از سوی کارکنان آموزشی نسبت به

دانش‌آموزان تفاوت‌های معناداری دیده شد. به اعتقاد معلمان، کارکنان آموزشی هرگز و

یا به ندرت دانش‌آموزان را استهزا و تمسخر می‌کنند (۸۱ درصد)، در صورتیکه،

دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند که کارکنان آموزشی در مواردی مانند معلمان به آنها فحش و

ناسزا می‌گویند و آنها را استهزا و مسخره می‌کنند (۵۰ درصد).

جدول ۱. فراوانی انتخاب گزینه‌های عوامل بند-الف به تفکیک دو گروه معلمان و دانش‌آموزان

ردیف	عوامل بند-الف	گروه	هرگز	چندبار در هفته	چندبار در ماه	چندبار در سال	جمع آزادی کای	درجه مجذور
۱.	به نظر شما دانش‌آموزان در مدرسه تا چه میزان به همدیگر توهین می‌کنند و تهمت می‌زنند (مانند دزد، بی‌پدر و...)	معلم دانش‌آموز	۹ ۱۱۰	۱۹ ۲۳۱	۷ ۶۸	۸ ۸۳	۲۳ ۴۹۲	۳
۲.	به نظر شما دانش‌آموزان در مدرسه تا چه میزان به همدیگر فحش و ناسزا می‌گویند (مانند احمق، خر، گوساله و...)	معلم دانش‌آموز	۳ ۵۵	۲۷ ۳۰۹	۶ ۷۷	۷ ۵۱	۴۳ ۴۹۲	۳
۳.	به نظر شما دانش‌آموزان در مدرسه تا چه میزان برجسب می‌زنند (مانند عقب افتاده، کوتوله، خیکی و...)	معلم دانش‌آموز	۳ ۱۱۷	۱۶ ۱۸۷	۱۳ ۹۸	۱۱ ۹۰	۴۳ ۴۹۲	۳
۴.	به نظر شما معلمان تا چه میزان به دانش‌آموزان تهمت می‌زنند	معلم دانش‌آموز	۲۸ ۲۰۴	۳ ۱۲۴	۱ ۶۹	۱۱ ۹۵	۴۳ ۴۹۲	۳
۵.	به نظر شما معلمان در مدرسه تا چه میزان به دانش‌آموزان فحش و ناسزا می‌گویند.	معلم دانش‌آموز	۲۸ ۱۷۳	۲ ۱۲۳	۴ ۸۷	۹ ۸۷	۴۳ ۴۹۲	۳
۶.	به نظر شما معلمان در مدرسه تا چه میزان دانش‌آموزان را استهزا و تمسخر می‌کنند یا به آنان برجسب می‌زنند	معلم دانش‌آموز	۲۰ ۲۱۰	۵ ۹۹	۳ ۹۴	۱۴ ۹۲	۴۲ ۴۹۵	۳
۷.	به نظر شما کارکنان غیرآموزشی (مانند راننده، مبصر کلاس، سرایدار، دفتر دار و...) تا چه میزان به دانش‌آموزان توهین می‌کنند و تهمت می‌زنند.	معلم دانش‌آموز	۱۸ ۲۲۸	۴ ۱۱۸	۴ ۷۵	۱۷ ۷۰	۴۳ ۴۹۱	۳
۸.	به نظر شما کارکنان غیرآموزشی تا چه میزان به دانش‌آموزان فحش و ناسزا می‌گویند.	معلم دانش‌آموز	۲۳ ۲۶۹	۰ ۹۴	۶ ۴۸	۱۱ ۷۹	۴۰ ۴۹۰	۲
۹.	به نظر شما کارکنان غیرآموزشی تا چه میزان دانش‌آموزان را استهزا و تمسخر می‌کنند یا به آنان برجسب می‌زنند	معلم دانش‌آموز	۲۴ ۲۷۸	۰ ۸۱	۷ ۵۴	۹ ۸۰	۴۰ ۴۹۳	۲

***p<۰/۰۰۱ **p<۰/۰۱ *p<۰/۰۵

در جدول شماره ۲. عوامل پدیدآورنده خشونت کلامی در دانش‌آموزان از دیدگاه دانش‌آموزان و معلمان بررسی شده است. نتایج آزمون مجذور کای تفاوت‌های معناداری را بین دیدگاه دو گروه نشان داده است: معلمان بیشتر شرایط خانوادگی مانند نحوهٔ تعلیم و تربیت، شرایط فرهنگی و محیطی دانش‌آموز خارج از کلاس درس، و ویژگی‌های فردی دانش‌آموز را موجب پدید آمدن خشونت کلامی می‌دانند، در صورتیکه دانش‌آموزان بیشتر بر حجم زیاد کتب درسی، فضای آموزشی نامناسب، افت تحصیلی و ناتوانی درسی، روابط غیرصمیمانه با معلمان، مدیر و ناظم، و خصوصیات فردی خود تأکید داشته‌اند.

جدول ۲. فراوانی انتخاب گزینه‌های عوامل بند-ب به تفکیک دوگروه معلمان و دانش‌آموزان

ردیف	عوامل بند-ب	گروه	هرگز	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	درجه مجذور آزادی کای
۱.	خصوصیات فردی دانش‌آموزان مانند عصبی بودن، پرخاشگر بودن، سلطه‌گر بودن باعث خشونت کلامی بین آنها می‌شود	معلم	۱	۴	۲	۱۶	۳	۴۲	۵
		دانش‌آموز	۴۰	۱۱۳	۷۳	۱۲۰	۷۰	۴۹۷	***
۲.	شرایط خانوادگی مانند نحوه تعنیم و تربیت دانش‌آموزان شغل، درآمد و سواد والدین و روابط نامناسب والدین و فرزندان باعث خشونت کلامی دانش‌آموز می‌شود.	معلم	۲	۲	۹	۱۸	۹	۴۲	۵
		دانش‌آموز	۱۷۹	۱۰۳	۵۳	۵۴	۶۴	۴۹۸	***
۳.	شرایط فرهنگی و محیطی دانش‌آموز در خارج از کلاس درس و مدرسه باعث خشونت کلامی دانش‌آموز می‌شود	معلم	-	۶	۳	۱۳	۶	۴۲	۵
		دانش‌آموز	۱۲۵	۱۲۲	۶۰	۸۴	۵۰	۴۹۳	***
۴.	افت تحصیلی و ناتوانی دانش‌آموز در حل مسائل درسی و تحصیل باعث خشونت کلامی در دانش‌آموز می‌شود	معلم	۲	۱۳	۸	۱۲	۴	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۱۰۱	۱۱۸	۶۷	۶۸	۶۴	۴۹۴	*
۵.	جو کلاس درس و مدرسه مثلاً روابط نامناسب دانش‌آموزان با همدیگر و روابط غیرصمیمانه با معلمان و مدیر و ناظم مدرسه باعث خشونت کلامی دانش‌آموز می‌گردد.	معلم	۲	۱۱	۸	۱۱	۷	۴۰	۵
		دانش‌آموز	۱۱۹	۱۴	۵۵	۶۵	۷۰	۴۹۶	***
۶.	فضای آموزش نامناسب مانند کلاسهای پرجمعیت، رنگ آمیزی نامناسب، نور ناکافی، کهنه و خراب بودن وسایل و امکانات مدرسه و... باعث خشونت دانش‌آموزان است.	معلم	۸	۱۱	۷	۸	۷	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۱۰۶	۸۸	۴۴	۶۳	۵۳	۴۹۵	*
۷.	حجم زیاد کتابهای درسی باعث خشونت کلامی دانش‌آموزان می‌شود	معلم	۱۳	۱۲	۷	۸	۲	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۹۶	۷۵	۵۳	۴۹	۵۲	۴۹۲	***
۸.	وجود رقابت در کلاس و مدرسه باعث خشونت کلامی دانش‌آموز است	معلم	۱۲	۱۶	۴	۱۰	۱	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۱۷۳	۹۳	۵۵	۵۴	۷۶	۴۹۶	***

***p<۰/۰۰۱ *p<۰/۰۵

در سؤال‌های بند ج عواملی که موجب بروز خشونت کلامی در معلمان می‌شود

بررسی شد و فراوانی‌ها و نتایج آزمون مجذور کای در جدول شماره ۳ درج شده است. به اعتقاد دانش‌آموزان و معلمان، ناتوانی‌های معلم، درآمد ناکافی و حقوق کم معلمان، و عدم روابط نامناسب و همکاری لازم میان معلمان و مسئولان مدرسه می‌تواند سبب بروز خشونت کلامی شود. بین نظرات دوگروه تفاوت‌هایی در موارد فوق وجود دارد ولی از نظر آماری معنادار نیست. دانش‌آموزان ویژگی‌های فردی معلم را باعث بروز خشونت کلامی می‌دانند، در صورتیکه معلمان خصوصیات فردی خود را چندان مؤثر نمی‌دانند آنان بیشتر بر عدم علاقه و انگیزه معلم به حرفه معلمی و تدریس به عنوان عامل ایجاد خشونت کلامی معلم تأکید دارند. معلمان معتقدند که از خشونت کلامی نمی‌توان برای اداره کلاس استفاده کرد، در صورتیکه به نظر دانش‌آموزان اعمال خشونت کلامی روشی برای اداره کلاس از طرف معلم است.

جدول ۳. فراوانی انتخاب گزینه‌های عوامل بند-ج به تفکیک دوگروه معلمان و دانش‌آموزان

ردیف	عوامل بند-ج	گروه	هرگز کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	درجه مجذور آزادی کای
۱.	خصوصیات فردی معلمان مانند عصبی بودن، پرخاشگر بودن و... باعث خشونت کلامی معلمان می‌شود	معلم	۵	۹	۱۱	۱۲	۱	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۸۳	۹۶	۸۷	۷۲	۱۲۰	۴۹۴	##
۲.	به نظر من خشونت کلامی روشی برای اداره کلاس از طرف معلم است	معلم	۲۷	۱۰	۱	-	-	۴۳	۳
		دانش‌آموز	۲۶۱	۵۶	۴۷	۳۱	۴۹	۴۹۲	##
۳.	ناتوانیهای معلم باعث خشونت کلامی معلم می‌شود	معلم	۹	۶	۵	۱۲	۵	۴۰	۵
		دانش‌آموز	۱۳۲	۸۲	۵۵	۶۳	۱۰۷	۴۹۰	
۴.	عدم علاقه و انگیزه معلم برای تدریس به دانش‌آموزان موجب خشونت کلامی معلمان می‌شود	معلم	۴	۸	۵	۷	۱۳	۴۲	۵
		دانش‌آموز	۱۷۳	۸۰	۴۶	۴۲	۷۲	۴۹۲	##
۵.	درآمد ناکافی و حقوق کم معلمان باعث خشونت کلامی آنهاست	معلم	۱۹	۹	۳	۵	۴	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۱۵۹	۶۰	۳۸	۶۰	۱۲۵	۴۹۰	
۶.	عدم روابط مناسب و همکاری لازم بین معلمان و مسئولین مدرسه باعث خشونت کلامی معلم می‌شود	معلم	۱۰	۱۲	۷	۸	۳	۴۲	۵
		دانش‌آموز	۱۶۷	۱۰۷	۵۳	۵۷	۵۸	۴۹۰	
۷.	شلوغ بودن کلاس‌ها و فضای کلاس باعث خشونت کلامی معلمان می‌شود	معلم	۳	۱۱	۵	۹	۴	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۵۹	۷۰	۴۵	۵۵	۸۴	۴۹۳	##
۸.	نامربوط بودن درس مورد نظر به اطلاعات و رشته تحصیل معلم باعث خشونت کلامی معلم می‌شود	معلم	۱۰	۹	۹	۳	۳	۴۳	۵
		دانش‌آموز	۱۳۱	۸۰	۵۲	۷۷	۴۸	۴۹۴	

##p<۰/۰۱

در جدول شماره ۴ واکنش مسئولان مدرسه در برابر خشونت کلامی دانش‌آموزان و معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان و معلمان بررسی شده است. به نظر دانش‌آموزان، مسئولان در برابر شکایت آنها از خشونت کلامی هم‌تایان خود معمولاً بی‌توجه و بی‌اعتنا هستند. کمتر از نیمی از آنان معتقدند که در صورت شکایت، طرف مقابل مورد بازخواست قرار می‌گیرد. در حالیکه از نظر معلمان، واکنش احضار و بازخواست

دانش‌آموز متخلف به فراوانی صورت می‌گیرد. در موارد فوق میان نظرات دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. تنبیه و سرزنش طرف مقابل از سوی دانش‌آموزان بیشتر از معلمان گزارش شده است. معلمان سخنرانی در سرصف را از اقدامات اولیه مسئولان مدرسه برای جلوگیری از خشونت کلامی دانش‌آموزان می‌دانند، ولی دانش‌آموزان به این واکنش در مرتبه آخر اشاره کرده‌اند. تفاوت‌های فوق میان نظرات دو گروه از نظر آماری معنادار است.

جدول ۴. فراوانی انتخاب گزینه‌های عوامل بند-د به تفکیک دو گروه معلمان و دانش‌آموزان

سؤال: وقتی دانش‌آموزی از خشونت کلامی سایر دانش‌آموزان نسبت به خود، به مسئولان مدرسه شکایت می‌کند، مسئولان مدرسه به چه میزان هریک از واکنش‌های زیر را نشان می‌دهند.

ردیف	عوامل بند-د	گروه	هرگز خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	درجه مجذور آزادی کای	
۱.	اعتنا و توجه نمی‌کنند.	معلم دانش‌آموز	۱۶ ۱۳۱	۵ ۸۹	۳ ۵۵	۹ ۷۷	۳ ۵۰	۴ ۹۳	۵ ۴۹۵	۶/۴۸
۲.	طرف مقابل را احضار کرده و بازخواست می‌نماید.	معلم دانش‌آموز	۲۴ ۶۴	۲ ۸۷	۵ ۶۷	۲۰ ۸۱	۹ ۹۵	۴۲ ۱۰۰	۵ ۴۹۴	۲۱/۵۹ ***
۳.	نمره انضباط طرف را کم می‌کند.	معلم دانش‌آموز	۴ ۵۶	۶ ۵۴	۶ ۶۸	۱۱ ۷۷	۸ ۶۶	۵ ۱۷۰	۵ ۴۹۱	۱۰/۳۷
۴.	به والدین او اطلاع می‌دهد.	معلم دانش‌آموز	۵ ۷۶	۵ ۹۰	۷ ۵۳	۳ ۷۷	۹ ۷۰	۱۳ ۱۲۸	۵ ۴۹۴	۶/۰۰
۵.	طرف مقابل را تنبیه و سرزنش می‌کنند.	معلم دانش‌آموز	۵ ۹۴	۹ ۸۱	۶ ۴۴	۱۳ ۶۹	۴ ۷۲	۴ ۱۳۲	۵ ۴۹۲	۱۵/۶۰ **
۶.	هر دو طرف را بازخواست می‌کنند.	معلم دانش‌آموز	۴ ۶۷	۳ ۷۴	۲ ۵۵	۱۳ ۸۲	۱۰ ۱۰۱	۱۰ ۱۰۹	۵ ۴۸۸	۸/۲۸
۷.	اقدامات خاصی برای رفع مشکل انجام می‌دهند مانند سخنرانی در سرصف و...	معلم دانش‌آموز	-۳ ۱۲۰	۵ ۶۰	۶ ۳۶	۱۵ ۶۷	۱۴ ۸۰	۴ ۱۳۳	۴ ۴۹۶	۱۹/۳۸ **

***p<۰/۰۱

***p<۰/۰۰۱

در جدول شماره ۵ نظرات دانش‌آموزان و معلمان در مورد واکنش‌های مسئولان مدرسه در برابر خشونت کلامی معلمان نسبت به دانش‌آموزان بررسی شده است: در کلیه سؤالی‌های بند "ه" میان نظرات دوگروه تفاوت‌های معناداری مشاهده شده است. معلمان معتقدند در صورت شکایت دانش‌آموزان از آنان مسئولان مدرسه آنها را احضار می‌کنند و کمتر حق را به آنها می‌دهند. در صورتیکه دانش‌آموزان بر این اعتقادند که مدرسه بیشتر اوقات حق را به معلم می‌دهد. به نظر دوگروه به ندرت ممکن است معلم کلاس و یا کلاس دانش‌آموز را در صورت شکایت دانش‌آموز از خشونت معلم تغییر دهند.

جدول ۵. فراوانی انتخاب گزینه‌های عوامل بند - ه به تفکیک دو گروه معلمان و دانش‌آموزان

سؤال: وقتی دانش‌آموزی از خشونت کلامی معلم یا بزرگسال دیگری نسبت به خودش به مسئولان مدرسه شکایت می‌کند، مسئولان مدرسه به چه میزان هریک از واکنش‌های زیر را نشان می‌دهند.

ردیف	عوامل بند - ه	گروه	هرگز کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	درجه مجذور آزادی کای
۱.	اعتنا و توجه نمی‌کنند.	معلم	۱۳	۳	۱۱	۶	۴	۳۸	۵
		دانش‌آموز	۱۵۸	۸۹	۶۸	۳۴	۱۱۲	۴۹۱	*
۲.	معلم را احضار کرده و با او صحبت می‌کنند.	معلم	-	۸	۲	۹	۹	۴۰	۳
		دانش‌آموز	۱۷۴	۱۱۱	۵۷	۴۵	۵۲	۴۹۰	***
۳.	حق را در هر حال به معلم می‌دهند	معلم	۱۶	۸	۱	۸	۴	۳۸	۴
		دانش‌آموز	۸۶	۵۴	۲۶	۵۲	۲۰۷	۴۹۲	
۴.	معلم کلاس را عوض می‌کنند	معلم	۲۰	۱۱	۲	۱	۱	۳۶	۳
		دانش‌آموز	۳۴۸	۵۳	۲۲	۳۱	۲۵	۴۹۲	
۵.	کلاس دانش‌آموز شاکی را عرض معلم می‌کنند	معلم	۱۳	۱۴	۳	۷	-	۳۸	۴
		دانش‌آموز	۲۶۹	۸۸	۴۱	۳۵	۲۵	۴۹۲	**
۶.	خود دانش‌آموز شاکی را تنبیه و سرزنش می‌کنند	معلم	۱۹	۱۱	۳	۲	۲	۳۸	۴
		دانش‌آموز	۱۵۲	۷۹	۴۴	۵۰	۱۲۴	۴۹۲	**

*p<۰/۰۵ **p<۰/۰۱ ***p<۰/۰۰۱

راه‌های ابراز خشم در برابر خشونت کلامی اطرافیان از دیدگاه دانش‌آموزان و معلمان در جدول ۶ بررسی شده است. فراوانی‌های جدول و آزمون مجذور کای انجام شده بر روی آنها نشانگر این است که در چهار ماده بند "و" تفاوت‌های معناداری بین نظرات دوگروه وجود دارد. به اعتقاد اکثر معلمان، آنها خشم خود را کنترل کرده و به فرد مقابل تذکر می‌دهند و به ندرت خشم خود را به صورت بدنی ابراز می‌کنند. آنان بر این عقیده‌اند که گاهی خشم خود را به صورت کلامی بروز می‌دهند. دانش‌آموزان کمتر از معلمان قادر به کنترل خشم خود هستند. ولی اکثر آنها (۶۰ درصد) معتقدند هرگز تمایل ندارند در برابر خشونت کلامی از خشونت کلامی و یا خشونت بدنی استفاده کنند.

جدول ۶. فراوانی انتخاب گزینه‌های عوامل بند- و به تفکیک معلمان و دانش‌آموزان

سؤال: شما وقتی از دست خشونت کلامی اطرافیان (دانش‌آموزان یا معلمان) ناراحت و خشمگین می‌شوید خشم خود را چگونه ابراز می‌کنید؟

ردیف	عوامل بند- و	گروه	هرگز خیلی کم	متوسط	ریاض	خیلی زیاد	جمع	درجه مجذور آزادی کای
۱.	خشم خود را کنمان می‌کنم و در درون احساس آزرده‌گی می‌کنم	معلم	۴	۹	۱۰	۷	۳۹	۵
		دانش‌آموز	۹۰	۶۴	۶۲	۱۲۸	۴۹۶	#
۲.	با خشونت کلامی خشم خود را ابراز می‌کنم.	معلم	۱۲	۵	۱	-	۳۹	۴
		دانش‌آموز	۱۱۰	۳۵	۴۲	۶۶	۴۹۴	#
۳.	با خشونت بدنی خشم خود را ابراز می‌کنم	معلم	۳	۲	۱	-	۳۹	۳
		دانش‌آموز	۲۶۰	۸۳	۲۱	۵۰	۴۹۳	##
۴.	خشم خود را کنترل کرده و به و به فرد مقابل تذکر می‌دهم.	معلم	۲	۳	۸	۱۶	۴۲	۵
		دانش‌آموز	۷۶	۷۰	۵۹	۸۱	۴۹۵	#

#p<۰/۰۵ ##p<۰/۰۱

بحث، نتیجه‌گیری، و پیشنهاد

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران امری رایج است. این نوع خشونت به صورت فحش و ناسزاگویی، تهمت و برچسب زدن به یکدیگر و توهین و تمسخر دیگری اعمال می‌شود. خشونت کلامی نه تنها میان دانش‌آموزان شایع است بلکه بر اساس پاسخ‌های دریافت شده، معلمان و سایر مسئولان مدرسه این رفتار را در مقابل دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهند. این نتایج با گزارش‌ها و نتایج پژوهش پژوهشگرانی مانند اسمیت و شارپ (۱۹۹۵)، آرورا و تامپسون (۱۹۷۷) و اولوئوس (۱۹۹۱) و بلومار (۲۰۰۱) در زمینه وجود خشونت در مدارس سایر کشورها همخوانی دارد. ضمن اینکه پژوهش‌های فوق تنها بر وجود خشونت در میان دانش‌آموزان تأکید دارد و از وجود خشونت بزرگسالان به دانش‌آموزان کمتر سخنی به میان آمده است.

البته همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد، معلمان معتقدند که رفتارهای حاکی از خشونت کلامی، بیشتر میان دانش‌آموزان رایج است و آنها هرگز یا کمتر نسبت به دانش‌آموزان چنین رفتارهایی را نشان می‌دهند. حدود ۱۰ درصد از آنان وجود چنین رفتارهایی را از سوی معلمان نسبت به دانش‌آموزان گزارش کرده‌اند این در حالی است که دانش‌آموزان نظرات متفاوتی را درباره خشونت معلمان نسبت به خود گزارش می‌کنند به بیان دیگر، اکثر دانش‌آموزان معتقدند که معلمان انواع خشونت کلامی از قبیل تهمت زدن، فحش و ناسزاگویی، و استهزاء و تمسخر را از چندبار در سال تا چندبار در هفته نسبت به دانش‌آموزان اعمال می‌کنند.

به طور کلی، دانش‌آموزان حجم زیاد کتب درسی، فضای آموزشی نامناسب، و ارتباطات نامطلوب در مدرسه را باعث خشونت کلامی خود می‌دانند، که این عوامل بیشتر اشاره بر ناکارآمدی مدرسه در تأمین نیازهای آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان دارد؛ در حالیکه معلمان بیشتر بر عوامل خارج از مدرسه در ایجاد خشونت کلامی دانش‌آموزان تأکید داشته‌اند. به‌طور مثال، حدود ۴۰ درصد دانش‌آموزان معتقدند که

شرایط مربوط به محیط خانوادگی و فرهنگی تأثیر چندانی بر خشونت کلامی ندارد، در حالی که معلمان بر این اعتقادند که عوامل محیطی و فرهنگی اثری از خیلی کم تا خیلی زیاد بر خشونت کلامی دانش‌آموزان بر جای می‌گذارد.

از آنجا که پدیده خشونت کلامی در همه مدارس و مناطق آموزشی مورد تأیید دانش‌آموزان و معلمان است این امر می‌تواند نشانه‌ای از فراگیر بودن آن در مدرسه و جامعه و نمودار این واقعیت باشد که مسئله خشونت کلامی در مدرسه هنوز به صورت مسئله‌ای جدی از سوی مسئولان تلقی نشده و پیشگیری و مقابله با مسائل رفتاری به عنوان یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش در مدرسه محسوب نمی‌گردد، در حالیکه انتظار می‌رود آموختن روش‌های پیشگیری از خشونت، بخشی از برنامه‌های آموزشی مدرسه باشد.

درباره خشونت کلامی معلمان، یافته‌ها نشان داد که معلمان عدم علاقه و انگیزه معلم به حرفه معلمی و تدریس را از عوامل بروز خشونت کلامی معلم می‌دانند، اما نظر اکثر دانش‌آموزان این است که ناتوانی معلم در تدریس، حقوق و درآمد ناکافی، و عدم ارتباط مناسب و همکاری میان معلمان و مسئولان مدرسه باعث بروز خشونت کلامی معلم می‌گردد. مشاهده مدارس از نزدیک و پژوهش‌های محدودی که در کشور ما در مورد وجود خشونت بزرگسالان صورت گرفته مانند نوابی نژاد (۱۳۷۲)، بازرگان (۱۳۷۸) با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی داشته و نمایانگر این واقعیت است که بسیاری از بزرگسالان در مقابل تخلفات دانش‌آموزان رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند. پژوهش مکارمی (۱۳۷۲) در مورد نحوه نگرش دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شیراز نیز نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از طرز برخورد معلمان خود راضی نبوده‌اند.

نتایج هم چنین تفاوت معناداری را میان نظر دانش‌آموزان و معلمان در زمینه واکنش مدرسه در مقابل خشونت کلامی دانش‌آموزان و معلمان نشان می‌دهد. همان طور که اشاره شد بسیاری از دانش‌آموزان مدعی‌اند که مسئولان مدرسه در مقابل خشونت کلامی دانش‌آموزان به یکدیگر و خشونت بزرگسالان به دانش‌آموزان اعتنای چندانی

ندارند؛ در حالیکه معلمان معتقدند که به هنگام شکایت دانش‌آموزان از یکدیگر و از معلمان اقدامات خاصی از سوی مسئولان مدرسه برای حل مشکل انجام می‌گیرد. تفاوت میان این دو دیدگاه می‌تواند ناشی از تفاوت در چارچوب سنجش یا قضاوت بین دو گروه فوق باشد. بدین معنا که، دانش‌آموزان انتظار دارند در مقابل هر شکایت از مشکلات روزمره ارتباطی خود واکنش سریعی را از سوی مسئولان مدرسه دریافت دارند در حالیکه معلمان معتقدند که مدرسه در مقابل مشکلات جدی رفتاری دانش‌آموزان یا معلمان واکنش لازم را نشان می‌دهد.

در زمینه چگونگی ابراز خشم در مقابل خشونت‌های کلامی اطرافیان یافته‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان، به ویژه پسران، وقتی در شرایط پرتعارض قرار می‌گیرند کمتر می‌توانند خشم خود را کنترل کنند و آن را به صورت خشونت کلامی و حتی بدنی نشان می‌دهند؛ در حالیکه معلمان اظهار داشته‌اند که خشم خود را پنهان کرده و در نهایت آن را با خشونت کلامی نشان می‌دهند. با توجه به اینکه گزارش دانش‌آموزان حاکی از ابراز خشم معلمان به صورت‌های مختلف در مدرسه است، این اظهارات را می‌توان چنین توجیه کرد که معلمان مانند بسیاری دیگر از اқشار جامعه سعی دارند تصویر بهتری از آنچه در واقع هستند از خود نشان دهند. این نتیجه‌گیری پژوهش بازرگان-صادقی (۱۳۸۰) را تأیید می‌کند.

پیشنهاد. وجود خشونت کلامی و بدنی در مدارس ابتدایی، راهنمایی، متوسطه در کشورهای دیگر مانند انگلستان، بلژیک، سوئد، نروژ، و توجه به عواقب ناگوار آن باعث شده که در کشورهای فوق و سایر کشورهای پیشرفته نهادهای رسمی سیاست‌ها و اقدامات متنوعی را در جهت پیشگیری و کاهش این پدیده به کارگیرند.

با توجه به نتایج موفقیت آمیزی که برنامه‌های مداخله در کاهش خشونت و اختلالات رفتاری در مدارس کشورهای دیگر داشته‌اند لازم است در مدارس کشور ما نیز برنامه‌هایی برای پیشگیری و کاهش خشونت طراحی و اجرا گردد و آموزش روش‌های پیشگیری از خشونت باید بخشی از برنامه‌های آموزشی مدارس باشد. این برنامه‌ها همان‌گونه که در سایر کشورها معمول است می‌تواند تحت عناوین مختلف

مانند آموزش مدنی، آموزش شهروندی، آموزش سلامت و بهداشت روانی توسط وزارت آموزش و پرورش و با همکاری سازمان‌های خارج از مدرسه مانند سازمان بهزیستی، مراکز خدمات مشاوره‌ای، و غیره ارائه گردد. در این برنامه‌ها می‌توان ضمن کار با دانش‌آموزان و آموزش آنان خود انضباطی و کنترل خویشتن را به آنان آموخت، تا بتوانند با بکارگیری زبان مثبت و ارتباطات سازنده در حل تعارضات خویش و حتی در حل مسائل و مشکلات روزمره کلاس و مدرسه شرکت کنند. نکته دیگر اینکه تحقق ارزشهای اخلاقی و مقابله با اختلالات رفتاری در مدرسه در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به این ارزش‌ها معتقد و مهارت‌های لازم را برای تبدیل آنها به هدف‌های رفتاری کسب کرده باشند. از کارکردهای پنهان نقش تربیتی معلمان و مسئولان مدرسه نقش الگودهی آنان است و دانش‌آموزان بسیاری از نگرش‌ها، ارزش‌ها، و رفتارهای اجتماعی را از راه تقلید کردن و الگوگرفتن از مربیان خود کسب می‌کنند. بنابر این ارائه برنامه‌های مستمر آموزش ضمن خدمت برای مدیران و معلمان، در جهت تقویت مهارت‌های ارتباطی آنان، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در این نوع برنامه‌های آموزشی می‌توان به معلمان کمک کرد تا با بررسی و تحلیل ابعاد مختلف رفتار خود از واکنش‌های خودآگاهی یابند. تأثیر رفتار خویش را بر دیگران درک کنند، سپس با شناخت بهتر خود، آشنایی با نیازهای دیگران و علل به وجود آمدن تعارض‌ها و اختلافات، مهارت‌های توافق و هنر کارکردن با یکدیگر را به دست آورند. در این برنامه‌ها می‌توان معلمان را از علل رفتارهای ناسازگارانه دانش‌آموزان و راه‌های مقابله با این نوع رفتار آگاه و کل کارکنان مدرسه را در پیشگیری و مقابله با رفتارهای خشونت‌آمیز درگیر ساخت.

مآخذ

بازرگان، زهرا و صادقی، ناهید (۱۳۸۰). "بررسی نحوه ارتباطات معلم با دانش‌آموزان در کلاس". مجله

روان‌شناسی و علوم تربیتی. (۲) ۳۱،

بازرگان، زهرا و گودرزی، محمدعلی (۱۳۷۹). "بررسی عوامل آسیب‌زا در مدارس شهر تهران". مجله

روان‌شناسی و علوم تربیتی. (۲) ۵،

کوهستانی، حسینعلی (۱۳۷۶). "رابطه تنبیه بدنی با پرخاشگری، افسردگی و افت تحصیلی." نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تبریز، س چهارم، ۴، ص ۱۵۳-۱۷۵.

مکارمی، آذر (۱۳۷۲). خلاصه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت - نقش تربیت معلم، تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورش، دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی.

نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۲). مجموعه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت - نقش تربیتی معلم. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی.

Arora, C.M and Thompson, D.A(1987)."Defining bullying for a secondary school". *Education and Child Psychology*, 4,PP. 110-120.

Axelrod, S, Apsche, J(1983). *The effect of punishment on human behavior*, Academic press.

Bandura, A and walters, R.H (1963). *Social learning, personality development*, Holt, Rinhard and winston.

Berkowitz, L (1973), "The control of aggression". In, B.m, Coldwell (Ed.) *Review of child Developmental Research*, vol 3. Chicago: University of Chicago.

Blomart,J.(2001). "preventing violence within the primary school environment". *violence in school*, ESF.

Clark, C(1998). "Discipline in school". *British Journal of Educational Studies*. Vol 46, No 3(sept): 289-301.

Coie, Dodge, Cappelletti, Newcomb, Bukowski, Pattee, pope, Bierman, Mumma(1998). *Types of aggressive behavior among aggressive preferred, Aggressive non-preferred, non-aggressive preferred and non-aggressive non-preferred 14-year old adolescents*.

Debarbieux E, Montoya, Y.(1998) "La violence a l'ecole en France: 30 ans de construction social de l'objet". *Revue francaise de pedagogie*. No 123, PP. 93-121.

Erickson, F.(1987). In Levinson, A(1998)."Discipline seen from below: student rationales for non - compliance in secondary schools in the United - States of America". *Prospects*, Vol XXVIII, No.

4.(December) .

- Finlayson, D and Deer, C,(1979) "The organisational climate of secondary schools". *Journal of Educational Administration*. Vol.17. No.2, PP. 129-138.
- Holdaway, E.A (1978)"Facets and overall satisfaction of teachers". *Journal of Educational Administration*. 14-15,PP. 30-47.
- Hojat, M.R.(1994)."Developmental pathways to violence: A psychodynamique paradigm". *Peace Psychology Review*. Vol.1, No.6 (Aut.-win):176-195.
- Jina, S.Yoon, J.N. Hughes, T.A. Cavell, B. Thompson(2000)."Social cognitive differences between aggressive-rejected and aggressive-nonrejected children". *Journal of School Psychology*. 38(6): 551-570.
- Johnston,M, P, and Edwards, L.(1991) *Action Against Bullying*. Edinburgh: SCRE.
- Laura Pakaslahti & Liisa Keltikangas Jarvinen.(1998). "Personality and Individual differences". 24(6):821-828.
- Levinson, B.A. (1998)."Discipline seen from below: Student rationales for non- compliance in secondary schools in the United States of America". *prospects*, Vol VII, No, 4, Dec.
- Lorenz, K.(1983). on aggression, copyright(e) by Dr.G. Bosotha Schoelar Verlag, Vienna, in Megargee E and Hokonsen J.E.(1970). *The Dynamics of Aggression Harper & Row*
- Mykelton, R.J. (1983)."Work stress and satisfaction of comprehensive school teachers". *Scandinavian Journal of Educational Research*. vol.29,No. 2.PP. 57-71.
- Olweus, D.(1991). *Aggression in schools: bullies and whipping boys*. Washington D.C, Hemisphere.
- Olweus,D.(1999). *Violences entre eleves, Harcelement et Brutalites*, ESF.
- Pain, J.(1997)."Violences et Prevention a l'ecole". *les Sciences de l'education* . 30,(2).
- Smith, P.K, and Sharp,S.(1994). *School Bullying* Routledge.
- Warell, J and Stilwell, W.E. (1981)*psychology for teachers and students*, Mc Graw Hill Book Co.
- Wheldall, K.(1992). *Discipline in schools,psychological perspectives on the Elton Report* Routledge.